

بررسی روندهای مؤثر بر برنامه‌ریزی فرهنگی شده در جهان اسلام (رویکرد آینده پژوهی)

ناصر براتی

استادیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، گروه شهر سازی

احمد پوراحمد

استاد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران

عین الله کشاورز ترک*

دانشجوی دکتری آینده پژوهی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

در عصر فرهنگی، برنامه‌ریزی فرهنگی شده بر مبنای سازگاری این رویکرد با جهان‌بینی اسلامی و بهره‌گیری حداکثری از آموزه‌های دین مبین اسلام در عرصه‌ی عمل اجتماعی منجر به همگرایی جهان اسلام و توسعه پایدار منطقه‌ای می‌گردد. حال با توجه به مسأله فوق این سوال مطرح می‌گردد که عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه‌ریزی فرهنگی شده در جوامع اسلامی در راستای ایجاد توسعه پایدار کدامند؟ با توجه به ادبیات، مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته بر مبنای روش پیمایش و رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده عوامل و روندهای مؤثر مورد بررسی قرار گرفت. عوامل مختلفی در برنامه‌ریزی فرهنگی شده تاثیر گذار می‌باشند، به‌طور کلی عوامل به سه دسته اصلی؛ مؤلفه "موضوعی" (نظریه فرهنگی) و مؤلفه "زمان" و مؤلفه "نظام برنامه‌ریزی" (نظریه برنامه‌ریزی) تقسیم بندی می‌شوند. بر این اساس، با مراجعه به خبرگان عرصه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فرهنگی، اثرگذاری هر یک از عوامل و میزان آنها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. پس از جمع‌آوری داده‌ها، بر مبنای تحلیل‌های آماری میان وضع "موجود و مطلوب" شکاف معنادار وجود دارد، مؤلفه "نظام برنامه‌ریزی" در وضع مطلوب بیشترین اهمیت را دارا می‌باشد و مؤلفه "موضوعی" در وضع موجود از مناسب‌ترین شرایط برخوردار است و بر این اساس راهبردها و پیشنهادات ارائه می‌گردند.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی فرهنگی شده، رصد فرهنگی، آینده پژوهی، جوامع اسلامی.

مقدمه

رویکرد بومی سازی در جهان اسلام مبتنی بر پرداختن به موضوعات و مسائل خاص جوامع اسلامی قلمداد می شود. حال آن که مهمتر از این، باید مبانی معرفتی و روش شناختی بومی در جوامع اسلامی ایجاد گردد. به عبارتی، در نگرش‌ها برپایه مباحث جامعه شناختی و ارزشی در هر جامعه‌ای نیاز به دانش بومی ضرورت می‌یابد و از این طریق مسائل خاص یک جامعه نیز با تحلیل عمیق‌تر و پایدارتر حل می‌گردد. با توجه به اینکه در حوزه آینده‌پژوهی مبانی معرفتی و روش شناختی به‌عنوان مبدا ورودی حل مسائل و مشکلات با رویکرد آینده‌محور مدنظر قرار می‌گیرد، لذا رهیافت بومی‌سازی آینده‌پژوهی منطبق بر ورود مبانی ارزشی و فرهنگی در درون متن برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد. براساس این رهیافت هم مسائل و مشکلات در جامعه حل می‌گردد و هم مبانی معرفتی و روشی تولید می‌شود که منجر به بومی سازی الگوها، مدل‌ها، روش‌ها و فرآیندهای آینده‌پژوهی می‌گردد. در حوزه کنش با واقعیت‌های اجتماعی، بومی‌سازی آینده‌پژوهی براساس فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی تحقق می‌یابد. در جوامع اسلامی مبانی ارزشی و معرفتی از جایگاه و قوت بالایی برخوردار می‌باشند، اما در غرب این مبانی در حداقل‌ها سیر می‌نماید. مبانی معرفتی فرهنگ که بر آن تأکید شد، در صورت شناخت صحیح و پیاده‌سازی مناسب در نظام برنامه‌ریزی، به‌عنوان یک نیروی محرک و پیشران فرصت‌ساز عمل خواهد نمود.

در عصر حاضر که دانش فرهنگی در حال گسترش است و ارزش اقتصادی و اجتماعی بالایی را دارا می‌باشد. در سیاست‌های جهان اسلام، توسعه راهبردهای فرهنگ در جهان اسلام با هدف کمک به زمینه‌های رشد اقتصادی، شناخت میان فرهنگی و پیشرفت فرهنگ در روابط بین‌المللی جوامع اسلامی در اولویت می‌باشد، رویکرد مناسب جهت تحقق این امر نیز، فرهنگی‌سازی برنامه‌ریزی می باشد. حال در ارتباط با مسأله فوق سؤال این است که عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در جوامع اسلامی کدامند؟ هر وضعیت فرهنگی معینی که در بستر زمانی، مکانی و ... معینی در جامعه ایجاد می‌شود و یا تغییر می‌کند، معلول مجموعه‌ای از علل و عواملی است که با بهره‌گیری از مطالعات روشمند و علمی، قابل شناسایی، احصا و رتبه‌بندی می‌باشد. عوامل کلیدی اثرگذار، آن دسته از عواملی هستند که در شکل‌گیری و یا تغییر این وضعیت‌ها دارای نقش برجسته و تعیین‌کننده، می‌باشند.

اهمیت و ضرورت پژوهش

در تبیین اهمیت و ضرورت موضوع، توجه به عصر حاضر که به‌عنوان یک عصر فرهنگی شناخته شده است، ادبیات گسترده‌ای در زمینه علوم اجتماعی به "چرخش فرهنگی" مربوط می‌شود که از دهه ۱۹۹۰ به بعد، از آن بعنوان تجربه توصیفی یاد شده است. نظرات نویسندگان

علوم جامعه شناسی، اقتصاد، جغرافیا، مطالعات فرهنگی و نظریه فرهنگی (یونگ، ۲۰۰۸؛ فاضلی، ۱۳۹۱؛ جیمسون، ۱۹۸۴؛ اسمارت، ۱۹۹۳؛ کاستلز، ۱۹۹۸) بر موجودیت و رویه کاری چنین عصری دلالت دارند. با توجه به این موضوع، هدف بیان ویژگی‌های این عصر و نشان دادن میزان ارتباط آنها با برنامه‌ریزی و طرح فرهنگ‌سازی (Project of culturisation) آن است (یونگ، ۲۰۰۸: ۱۳).

کنش‌های اجتماعی، که بخشی از آن از لحاظ فرهنگی در حوزه "مکان" قابل تبیین است. در برنامه‌ریزی فرهنگی، مکان (فضا) یک ویژگی منحصر بفرد می‌باشد که در برنامه‌ریزی فرهنگی به حد اعلا خود می‌رسد و عینی‌ترین بخش فرهنگ را شامل می‌شود. در تبیین و تحلیل پدیده‌های فرهنگی بر مبنای مصادیق موجود در مطالعات فرهنگی، به مؤلفه مکان (فضا) توجه می‌شود، اما در سطح تحلیل برنامه‌ریزی ما از این امر غفلت می‌کنیم و یا به عبارتی به دنبال یکسان‌سازی پدیده‌ها و یا مشابه‌سازی می‌باشیم. برنامه‌ریزی شهری بیشترین ارتباط را با فرهنگ در حوزه عمل اجتماعی برخوردار می‌باشد.

برنامه‌ریزی فرهنگی شده با این معنا که هویت و ماهیت فرهنگی دارد با باورها و اعتقادات، رفتارها و کنشها و ارزشها در ارتباط می‌باشد. در نظام برنامه‌ریزی کنونی، رفتارها و کنشها در زمان کوتاه مدت بیشتر عملیاتی می‌گردد، رویکردهای راهبرد توسعه شهر که مبانی و چارچوب نظری آن توسط بانک جهانی از سال ۲۰۰۰ در حال توسعه است، پاسخگوی نیاز جوامع شهری جهان اسلام نمی‌باشد، لذا توسعه پایدار نیازمند توجه بیشتر به لایه اعتقادات، باورها و ارزشها (ابعاد گذشته و آینده) نیز می‌باشد. در جمع‌بندی می‌توان گفت، بر اساس ماهیت عصر فرهنگی، جایگاه فرهنگ در برنامه‌ریزی و ارتباط آن با توسعه پایدار، مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. لذا توسعه پایدار منطقه‌ای نیازمند رویکرد فرهنگی سازی برنامه‌ریزی بر مبنای مشترکات فرهنگی جوامع اسلامی می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

هر مطالعه و تحقیقی بنابر ماهیت و هدفش از روش‌ها و ابزارهای خاصی بهره می‌جوید که انتخاب این ابزارها و روش‌ها باید معنادار، منطقی و توجیه‌پذیر باشد. هدف پژوهش، شناسایی و الویت‌بندی عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه‌ریزی فرهنگی شده می‌باشد، شناسایی عوامل و روندهای مؤثر و آزمون آن با روش پیمایش انجام پذیرفته است. پیمایش به معنی تکنیک خاصی در گردآوری اطلاعات نیست هرچند عمدتاً از پرسشنامه استفاده می‌شود، اما فنون دیگری از قبیل مصاحبه عمیق و... هم به کار می‌رود (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳). با توجه به اهداف پژوهش و اطلاعات بدست آمده، نیازهای اطلاعاتی به شرح زیر تعیین شدند:

- اطلاعاتی که عوامل و روندهای مؤثر را در وضع موجود و مطلوب نشان بدهد.
 - اطلاعاتی که مهمترین ایده‌ها و پیشنهادهای تکمیل و تقویت کننده را نشان دهد.
- برای تعیین نوع نمونه‌گیری، روش نمونه‌برداری غیراحتمالی هدفمند قضاوتی پیشنهاد می‌شود. نمونه‌گیری از خبرگان، شامل انتخاب از بین افرادی است که تجربه یا تخصص آنها در یک حوزه، محرز شده است. (سینگ، ۲۰۰۷: ۱۰۸). جمعیت مقتضی و مناسب برای پاسخگویی به سوالات حداقل باید سه شاخص (آشنایی با مبانی مدیریت و تصمیم‌گیری، تجربه عملی در عرصه جهان اسلام در سطح مدیریت ارشد، فهم راحت برنامه‌ریزی فرهنگی شده) را دارا باشند.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش شامل پرسش‌نامه مشخصات فردی و پرسش‌نامه‌ی شناسایی و الویت‌بندی عوامل مؤثر می‌باشد. پرسش‌نامه با توجه به اهداف و مطالعه جدیدترین منابع و مقالات مرتبط تهیه گردید که بخش اول حاوی ۳ سوال در مورد مشخصات فردی و سازمانی پرسش‌شوندگان و پرسش‌نامه شناسایی عوامل حاوی ۳۳ گویه می‌باشد که دربرگیرنده ۳ مؤلفه اصلی؛ مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)، مؤلفه‌ی زمان و مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) است. نحوه‌ی امتیازدهی به هر سؤال شامل طیف لیکرت از (کاملاً موافقم: ۵ تا کاملاً مخالفم: ۱) می‌باشد.

روایی و پایایی ابزار پژوهش

روایی پرسش‌نامه با مراجعه به مقاله‌های مربوطه و نیز توسط داوری اساتید با روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور تعیین پایایی پرسش‌نامه فوق، پرسش‌نامه مذکور بصورت تصادفی در اختیار ۱۰ نفر قرار داده شد و سپس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ میزان پایایی کل پرسش‌نامه و ۳ مؤلفه آن در سطح مناسب پایایی مورد تأیید قرار گرفت. پس از جمع‌آوری، کدگذاری و ورود داده‌ها به رایانه، از نرم‌افزار آماری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. برای بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف، برای بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق در وضع مطلوب و وضع موجود در صورت نرمال بودن از آزمون تی تک نمونه‌ای و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون ویلکاکسون، برای مقایسه شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوب در صورت نرمال بودن از آزمون تی زوجی و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون ویلکاکسون زوجی، برای رتبه‌بندی مؤلفه‌های اصلی در مدل در وضع مطلوب و موجود از آزمون فریدمن و برای بررسی میزان ارتباط بین مؤلفه‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی شده در دو وضعیت از همبستگی پیرسون استفاده می‌شود و برای بررسی مشخصات فردی از آمار توصیفی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌گردد.

عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری آینده جوامع اسلامی

شناسایی و الویت بندی عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه ریزی فرهنگی شده یکی از روندهای کلیدی توسعه شهری جوامع اسلامی می باشد، با توجه به ادبیات، مطالعات و بررسی های انجام گرفته تاکنون، بر مبنای تعریف و لایه های فرهنگ در مؤلفه "موضوعی" (نظریه فرهنگی)، عوامل و روندهای مؤثر، در چهار سطح تحلیل (عوامل ظاهری - عینی، عوامل اجتماعی - اقتصادی، عوامل ارزشی و عوامل فلسفی - بنیادی) مورد بررسی قرار گرفته است. بر مبنای عوامل و روندهای مؤثر، پیشرانها در نظام توسعه شهری جوامع اسلامی با رویکرد آینده پژوهی تدوین می گردد. در مؤلفه "زمان" و "نظام برنامه ریزی" (نظریه برنامه ریزی) نیز عوامل مؤثر، شناسایی و الویت بندی شده است.

۱- مؤلفه : موضوعی (نظریه فرهنگی)

نظریه فرهنگ به عنوان نظریه روابط بین عناصر موجود در مسیر کلی زندگی باید همواره مدنظر قرار گیرد، ما همچنین در این شرایط نیاز به آزمایش تفکر توسعه فرهنگ و فرآیندهای جامع آن داریم (ویلیامز، ۱۹۶۶: ۱۲). نظریه های فرهنگی در برنامه ریزی دربرگیرنده ظرفیت شناخت، توسعه و بکارگیری فرهنگ به شکل ملموس، ناملموس، تاریخی و معاصر می باشد که بیانگر ضرورت شناخت و آشنایی با اصول فرهنگ و ظرفیت ادغام و کار با چنین مفاهیمی می باشد. بر اساس مبانی مفهومی پژوهش و ماهیت لایه ای فرهنگ، عوامل و روندهای مؤثر در مؤلفه موضوعی، در چهار سطح تحلیل (عوامل ظاهری - عینی، عوامل اجتماعی - اقتصادی، عوامل ارزشی و عوامل فلسفی - بنیادی) مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- عوامل عینی - ظاهری

عوامل عینی - ظاهری ناظر بر عینی ترین و آشکارترین سطح تحلیل است. این عوامل از حیث کمی، داده ها و اطلاعات بسیاری در خصوص آن در رسانه های گروهی منتشر شده است. اما نکته ای که درخور توجه است مسائل و روندها نه تنها به یکدیگر مرتبط نیستند، بلکه گسسته از هم به نظر می رسند (عنایت الله، سهیل، ۱۳۸۸)، در ادامه عوامل شناسایی و ارائه شده اند.

▪ جغرافیا (مکان - فضا)

نمود جغرافیایی فرهنگ طی هزاران سال شکل گرفته است. اگرچه این مسأله یک فرآیند دو طرفه است که در آن محیط زیست، بُعد هنری فرهنگ را شکل می دهد. اگرچه، توسعه سیاره ما به عنوان یک چشم انداز (منظر) فرهنگی در حال حاضر تقریباً با کل این مبحث در ارتباط است. بر اساس دیدگاه کستلز، سیاره ما در فرهنگی ترین شکل خود قرار دارد (۱۹۹۸). مسلماً، زمین یک نمای (منظر) شهری (Urban Landscape) است که جمعیت آن در حال فزونی است و پایداری آن مسأله مهمی برای برنامه ریزی در هر مقیاس است

(یونگ، ۲۰۰۸: ۱۱۱-۱۱۰). کنش‌های اجتماعی، بخشی از آن از لحاظ فرهنگی، در حوزه "مکان" قابل تبیین است.

▪ میراث فرهنگی

تاریخ اجتماعی به‌شکلی خاص با مکان و میراث و تعلقات معاصر آن در ارتباط است که همگی جنبه‌هایی از فرهنگ هستند که اهمیتی روز افزون از دهه ۱۹۷۰ داشته‌اند. میراث فرهنگی دوره‌ها و نوع ساختمان‌ها و آثار نشان‌دهنده جزئیات زیرساختار فرهنگی در سطح ملموس می‌باشند.

▪ تغییرات جمعیت شناختی و هرم جمعیتی در شهرها

در دهه‌های اخیر با توسعه اقتصاد صنعتی و اقتصاد دانش بنیان، جمعیت شهرنشینی روزبه‌روز در حال افزایش است و برای اولین بار در تاریخ در سال ۲۰۰۵ بیش از ۵۰ درصد جمعیت دنیا شهرنشین شدند و این آمار در سال ۲۰۰۷ حدود ۶۰ درصد از کل جمعیت دنیا را شامل می‌شود، در حالیکه در سال ۱۹۰۰ صرفاً ۱۰ درصد جمعیت دنیا در شهرها زندگی می‌کردند و در سال ۲۰۲۵ پیش بینی می‌شود به ۷۰ درصد این رقم برسد. لذا یکی از روندهای کلیدی در آینده جوامع، تغییرات جمعیت شناختی و تأثیر آن بر مدیریت شهری می‌باشد. این تراکم جمعیت، نیاز به رویکرد فرهنگی و انسانی را افزایش می‌دهد.

▪ عملکرد دستگاه‌های فرهنگی و بودجه فرهنگی

در برنامه‌ریزی فرهنگی با رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، در سطح عوامل ظاهری، عملکرد دستگاه‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار شناسایی شده است، البته در تمامی لایه‌ها و ابعاد فرهنگ، این دستگاه‌ها در قالب دستگاه‌های مسئول یا دستگاه‌های همکار فعالیت دارند. یکی از بارزترین عوامل تأثیر گذار، میزان بودجه فرهنگی می‌باشد. بودجه‌های اختصاصی فرهنگی نیز در راستای ارتقا کیفی امور فرهنگی، نه در امور جاری و روزمره باید هزینه گردد.

▪ رسانه‌ها

رسانه‌ها با عملکرد عظیم خود و نفوذی که در زمینه‌های مختلفی مانند، اقتصاد و سیاست و مسائل اجتماعی و فرهنگ عمومی و آداب و رسوم یک ملت دارند و به این صورت در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها نفوذ می‌کنند و باعث تغییر فرهنگ و رفتار افراد جامعه می‌شوند و می‌توانند انسان‌ها را به سوی اهداف و سیاست‌های خود سوق بدهند. در نتیجه سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای پیشبرد اهداف و برنامه‌ریزی‌های خود در آینده باید با رسانه‌ها ارتباط تنگاتنگی داشته باشند تا بتوانند سیاست‌ها و اهداف خود را اجرا نمایند.

۳- عوامل اجتماعی - اقتصادی

علت های اجتماعی - اقتصادی ناظر بر عواملی هستند که مؤسسات سیاست‌پژوه و سیاست‌گذار تحلیل های مستدل و مستندی را در خصوص میزان تأثیر این دسته عوامل منتشر می‌کنند. در این لایه، نقش دولت، نخبگان، دانشگاه‌ها پررنگ می‌شود. داده‌های جمع‌آوری‌شده، برحسب همبستگی متغیرها، رابطه علیت، به‌کارگیری یک نظریه خاص و نقد سایر نظریات تجزیه و تحلیل می‌شوند (عنایت‌الله، سهیل، ۱۳۸۸). اغلب مطالعات علمی و دانشگاهی به شناسایی این دسته از عوامل می‌پردازند.

▪ اوقات فراغت و رضایت از زندگی

در جامعه امروزی اوقات فراغت، متضمن فعالیت‌های است که علائق و انباشت لذت درونی و حفظ یکپارچگی جامعه را دنبال می‌کند و یک فرد برای به بارنشانیدن خلاقیت و ظرفیت خود نیازمند آن می‌باشد. رشد زمان و مکان فراغت، ارتباط مستقیمی با میزان توسعه‌یافتگی جوامع دارد، به طوری که در دموکراسی‌های نوع غربی بر مبنای صدور فعالیت‌های کاربر با دستمزد پایین به اقتصادهای در حال توسعه این امر حاصل شده است. بسیاری از متخصصان به تشدید شکاف توسعه‌ای از یک سو و رشد تأمین محصولات شرکت‌های چندملیتی از کارگاه‌های نامناسب اقتصادی در حال توسعه مانند؛ فیلیپین، مکزیک، چین، اندونزی، تایوان، تایلند و... اشاره دارند (کاستلز، ۱۹۹۸؛ کلاین، ۲۰۰۱). نکته کلیدی این است که جوامع شهری اسلامی در حال گذر از اقتصاد در حال توسعه به توسعه‌یافته می‌باشند و افزایش اوقات فراغت و برنامه‌ریزی برای آن نقش ویژه‌ای خواهد یافت.

در شرایط کنونی با توجه به افزایش جمعیت شهرها، حوزه اوقات فراغت جای خود را به سازماندهی خدمات داوطلبانه در راستای گسترش حس انسان‌دوستی، مشارکت در امور تخصصی و هدفمند در سطح جوامع شهری داده است و این نیاز بر مبنای افزایش تخصص‌گرایی و مبنای ارزشی جوامع اسلامی، در حال افزایش می‌باشند.

▪ سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه فرهنگی دربرگیرنده دو مؤلفه سرمایه و فرهنگ می‌باشد و با بررسی ارتباط این مؤلفه با انواع سرمایه می‌توان شناخت بهتری نسبت به برنامه‌ریزی فرهنگی شده در جوامع بدست آورد. درباره کارکردهای سرمایه فرهنگی، کسب مشروعیت از طریق بقیه سرمایه‌ها منوط به تبدیل شدن آنها به سرمایه فرهنگی است. درباره اثرات کمبود سرمایه فرهنگی باید گفت: از دیدگاه انسان‌شناسی مخرب‌ترین کمبود سرمایه (در مقایسه فقدان سرمایه‌های محیطی، فیزیکی، مالی)، کمبود سرمایه‌های اجتماعی - فرهنگی و به تعبیری انسان‌شناسانه‌تر، سرمایه انسانی می‌باشد (روحانی، ۱۳۸۸: ۳۲).

▪ فرهنگ و ملی‌گرایی

تعریف فرهنگ بر مبنای ملیت در میان شهروندان، نشان از دشواری جداسازی این دو مفهوم می‌باشد. ادغام این دو مقوله نیز، مفاهیم چندفرهنگ‌گرایی (multiculturalism) و چندملیت-

گرایی (multinationalism) را در ذهن تداعی می‌نماید. هر چند اغلب فرهنگ به‌مثابه امری ذاتی برای ملت تصور می‌شود (و بالعکس)، برخی از منتقدین معتقدند که سیاست‌های چندفرهنگ‌گرایی از ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر مدارا عاجز است (آبرام، ۲۰۱۰). این مبانی در حوزه ملی‌گرایی، نسبت به فرهنگ از جامعیت برخوردار نمی‌باشند، درحالی که پذیرش تفاوت‌های فرهنگی به‌عنوان یک واقعیت می‌تواند مدنظر قرار گیرد. این تفاوت از ابعاد ذاتی مکان - فرهنگ می‌باشد که در مبانی هستی‌شناسی فرهنگ قرار دارد. در رویکرد برنامه‌ریزی نیز این مفهوم باید به‌عنوان هسته مرکزی (روش لاکاتوش) پذیرفته و وارد متن برنامه‌ریزی گردد.

▪ فرهنگ و قومیت

فرهنگ مدرن شهری به‌مثابه فرهنگی منزله از تفاوت‌های منطقه‌ای - محلی تصور می‌شد، بسیاری از ما هنوز هم فکر می‌کنیم که جهانی‌سازی همه‌ی ما را "یک‌شکل" خواهد کرد و تلاش‌های زیادی در جهت مستندسازی باقی‌مانده‌ی فرهنگ‌های بی‌زمان گذشته می‌شد که انسان مدرن آن‌ها را در خطر انقراض قرار داده بود (آبرام، ۲۰۱۰).

۴- عوامل ارزشی

عوامل ارزشی ناظر بر علت‌های اجتماعی بوجود آورنده عوامل (عینی - ظاهری) می‌باشد. این عوامل بر تصویر بزرگ و پارادایمی متمرکز است که باعث می‌شود ما پدیدارها و رخداد‌های عالم را واقعی یا غیر واقعی بدانیم.

- اخلاق اسلامی

اخلاق افزون بر فرهنگ سازی در ابعاد اجتماعی و فردی زمینه را برای اجرای بهینه قوانین اجتماعی و احکام شرعی فراهم می‌سازد. با این تعبیر اخلاق از مسائل کلیدی حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی شده محسوب می‌شود که اساس زندگی اجتماعی انسان بر آن استوار است. با پیچیده‌تر شدن نظم جهانی جوامع، راهکار بلند مدت و پایدار حرکت به سوی توجه به مبانی فرهنگی بر مبنای مشترکات اخلاقی در الویت قرار دارد، عوامل دیگر در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی شده عبارتند از:

- تفکر دینی

- پیشینه تمدنی و فرهنگی

۵- عوامل فلسفی - بنیادی

عوامل فلسفی - بنیادی، ناظر بر فهم معرفت‌شناسی است که به شکل‌گیری جهان‌بینی که بوجود آورنده علت‌های اجتماعی و مسأله‌عینی شده است، کمک می‌کنند. در این لایه عمیق‌ترین تصاویر ذهنی شکل‌دهنده به آینده مورد کنکاش قرار می‌گیرند. بر این اساس، فهم این عوامل نه تنها لایه‌های عمیق تمدنی شکل‌دهنده به یک آینده خاص را آشکار می‌کند، بلکه با ردیابی

عوامل ناخودآگاه و اسطوره، امکان خلق آینده را فرای مرزهای عقلانی مهیا می‌سازد (عنایت الله، سهیل، ۱۳۸۸).

- آرمان شهر

چشم‌اندازهای آرمان‌شهری را می‌توان آرمان‌های بسیار بلندی دانست که در افق‌های دور تحقق خواهند یافت. در قرن بیستم اندیشگاه‌هایی چون کلوپ رم و در سال‌های اخیر پروژه‌ی هزاره که توسط دانشگاه سازمان ملل پیگیری می‌شود، از نهادهای برجسته‌ای هستند که آفرینش چشم‌اندازهای آرمان‌شهری برای تمدن غرب و حتی جهان را برعهده داشته‌اند، به عنوان مثال؛ در پروژه‌ی هزاره، مطالعه‌ای تحت عنوان سناریوهای هنجاری ۲۰۵۰ (یا همان چشم‌اندازهای آرمان‌شهری ۲۰۵۰) صورت گرفته است که چشم‌اندازهای مطلوب جهانی را ترسیم می‌کند (بزولد و همکاران، ۲۰۰۹: ۶). اهمیت چشم‌اندازهای آرمان‌شهری در این است که هرچه بتوانیم آینده‌های دورتری را ببینیم، می‌توانیم تغییرات ژرف‌تری ایجاد کنیم (ملکی فر: ۱۳۸۵) و عوامل دیگر عبارتند از:

- رویکرد پیوند مکان- فرهنگ

- تفاوت در فرهنگ‌ها و تنوع فرهنگی

مؤلفه زمان

در حوزه ارتباط نسبت فرهنگ و آینده‌پژوهی "مؤلفه زمان" از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و تلاش شد براساس این اصل تعریف جامع از فرهنگ ارائه گردد. فرهنگ، عبارت است از باورها و اعتقادات، ارزشها و رفتارها؛ رفتارها بر مبنای اعتقادات و باورها در راستای خلق و تقویت ارزش‌ها در سه بعد زمانی گذشته، حال و آینده صورت می‌پذیرد. البته باید توجه داشت این مؤلفه همپوشانی‌هایی با دو مؤلفه دیگر نیز دارد، با توجه به اهمیت آن به صورت یک مؤلفه مستقل در نظر گرفته شده است. لذا سعی شده عوامل شناسایی شده دارای شاخص‌های قابل کمی‌سازی باشند که در تدوین و ارزیابی راهبردهای این عرصه نیز کاربرد داشته باشند.

باورها و اعتقادات (گذشته)

■ توحید محوری

در زمینه اعتقادات و باورهایی که از بعد زمانی ریشه در گذشته تا حال را دارند، مهمترین ویژگی فرهنگی، باور به توحید کامل می‌باشد. یکی از شاخص‌های این عامل، همبستگی دین و سیاست می‌باشد (جهان‌بین، ۱۰۱: ۱۳۹۰). در راستای تبیین باور به توحید کامل در جوامع اسلامی، برگزاری گسترده مراسمات مذهبی توسط مردم نیز به‌عنوان مصادیقی از این عامل قابل بیان می‌باشد که به‌عنوان سرمایه اجتماعی و فرهنگی باید مدنظر قرار گیرد.

رفتارها و کنش‌ها (حال)

▪ خلاقیت، نوآوری و شهر خلاق

یکی از کارکردهای برنامه‌ریزی فرهنگی شده، شهر خلاق می‌باشد. امروزه این ایده در مطالعات شهری ایجاد گشته است که شهرها محیط‌هایی برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌های هنری، ادبی و فرهنگی هستند. شهر خلاق به معنای محیط فرهنگی و اجتماعی است که در آن امکان تحقق استعداد و خلاقیت‌های افراد یعنی شهروندان فراهم است. شهر خلاق به معنای شهری است که سرمایه فرهنگی در آن نه تنها از اهمیت و گستردگی بیشتری برخوردار است، بلکه به معنای آن است که سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به سهولت می‌توانند تبدیل به سرمایه فرهنگی شوند و بالعکس. شهر خلاق ایده‌ای است که به نوعی شهر قرن ۲۱ را توصیف می‌کند. (فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۵۳).

▪ فرهنگ کار

لازمه دستیابی جوامع اسلامی به اهداف بلند خود و رفع عقب ماندگی تاریخی ناشی از روی کار بودن حکام وابسته، بدون تلاش در جهت سازندگی بی‌وقفه میسر نخواهد شد. برای بررسی جایگاه این مؤلفه در جوامع می‌توان از شاخص میزان بهره‌وری در فضای کسب و کار و نیز میزان تمسک به شانس و ارتباطات جهت ارتقا استمداد جست. براساس بررسی بهره‌وری به‌عنوان شاخص فرهنگ کار، مطالعات نشان می‌دهد که از این حیث وضعیت مناسبی حاکم نیست (جهان‌بین، ۱۳۹۰: ۱۰۹ و ۲۰۱).

▪ مشارکت شهروندان

مقوله مشارکت شهروندی با توجه به قرارگرفتن در بسترهای اجتماعی مختلف تحولات تاریخی گوناگونی را پشت سر گذاشته است، به‌طوری که در هر یک از این دوره‌ها روابط عناصر شاکله آن متغییر و متفاوت بوده است. کارکرد اصلی شهروندی عبارت است از اداره جامعه طبق اصول احترام به حقوق دیگران و تعهد به ایفای نقش در حفظ نهادهای مشترک که این حقوق را پایدار می‌دارند. همچنین می‌توان حقوق، وظایف، مشارکت و هویت را از عناصر شاکله شهروندی برشمارد (عیوضی، ۱۳۹۱).

ارزش‌ها و مطلوبیت‌ها (آینده)

▪ امید به آینده

در تعریف فرهنگ لایه «ارزش‌ها» به‌عنوان عاملی در زمان حال، منجر به ساخت و شکل‌گیری آینده می‌گردد. شاخص این مطلب؛ امید به آینده می‌باشد. امید به آینده از مهمترین پیشران‌ها در شکل‌دهی به تحولات آینده است. فرد و جامعه‌ای که یأس آنان را فراگرفته باشد، انگیزه هیچ اقدام سازنده‌ای در آنان شکل نخواهد گرفت. در راستای تحقق این مطلب گام نخست، تدوین برنامه‌های آینده‌نگرانه است. سپس ایجاد ساختارهای اجرایی مناسب با آن

مورد نیاز می‌باشد. رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در راستای تحقق توسعه پایدار، هر دو مطلب را در بطن خود دنبال می‌نماید.

▪ خودباوری و اعتماد بنفسی ملی

مؤلفه کلیدی دیگر در لایه ارزشها، خودباوری و اعتماد به نفس ملی می‌باشد. در تحقیق وضعیت و نگرش جوانان ایران که به صورت ملی در پاییز ۱۳۸۰ توسط سازمان ملی جوانان انجام شده است، نیز ۹۵/۹ درصد گفته‌اند که در هر کجای جهان باشند به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند. به نظر می‌رسد جهت میزان سنجش اعتماد به نفس ملی می‌توان از شاخص احساس افتخار به پرچم، دین و ملیت و نیز باور به توانمندی ملی بهره گرفت. (جهان بین، ۱۳۹۰: ۱۷۴). بر مبنای این اطلاعات، عامل اعتماد به نفس به عنوان یکی از مؤلفه‌های لایه ارزش‌ها در فرهنگ که فی‌نفسه نگاه به آینده دارد، مدنظر قرار گرفته است و در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده به عنوان یک عامل مؤثر شناسایی شده است.

مؤلفه: "نظام برنامه‌ریزی" (نظریه برنامه‌ریزی)

ارتباط فرهنگ و آینده‌پژوهی بیشتر به نظریه برنامه‌ریزی می‌پردازد. جداسازی نظریه برنامه‌ریزی از به کارگیری برنامه‌ریزی، خود موضوعی مهم در برنامه‌ریزی است. از دیدگاه نومدرن نظریه برنامه‌ریزی، رویکردهای مشارکتی و عملی برنامه‌ریزی، ارتباط و برنامه‌ریزی عملی خوبی را به عنوان هدف پیشنهاد می‌کنند. در جناح دیگر، مکتب نظریه پست مدرن برنامه‌ریزی را اغلب در فاصله‌ای بیشتر از هرگونه ارتباط با شیوه برنامه‌ریزی در نظر می‌گیرند (آلمندینگر، ۲۰۰۱؛ گیلسون، ۲۰۰۰). اهمیت نظریه برنامه‌ریزی و روند برنامه‌ریزی و ارتباط آن با فرهنگ در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی‌شده در سه سطح تحلیل، شهر - منطقه ای - ملی و فراملی مورد توجه قرار گرفته است، عوامل مؤثر به شرح ذیل شناسایی شده اند.

۱- سطح تحلیل شهر

با توجه به تفاوت و تنوع فرهنگی جوامع شهری بر مبنای عامل "مکان - فرهنگ"، در تحلیل بخشی از این سطح بر مبنای مشخصات شهر ایرانی - اسلامی می‌باشد، البته این مباحث بر مبنای مشترکات فرهنگی موجود بر پیشینه تمدنی و فرهنگی و ارزش‌های اسلامی قابل تعمیم می‌باشند.

▪ نقشه فرهنگی

طراحی الگوی نقشه فرهنگی و به تبع آن ترسیم و تدوین نقشه فرهنگی به عنوان مقدمه مهندسی فرهنگی یکی از ضرورت‌ها و مباحث حائز اهمیت در شهرهای جوامع اسلامی می‌باشد. نقشه فرهنگی، "پویش‌های ابعاد فرهنگی، ارزش‌ها و نگرش‌های مختلف یک جامعه بر اساس یک الگو" (موذن جامی، ۱۳۸۹: ۳۵) می‌باشد. نقشه فرهنگی، مقدمه رصد فرهنگی در

راستای برنامه ریزی و مدیریت فرهنگی شهرها با رویکرد آینده پژوهی است و به بومی سازی برنامه ریزی کمک می نماید.

▪ نظام (سیستم) برنامه ریزی فرهنگی شده

مفهوم ارائه شده "فرهنگی سازی" و "سیستم فرهنگی شده" نشانگر ارزش مطالعات برنامه ریزی و به کارگیری آن در جوامع می باشد. از طریق در کنار هم قرار دادن اصول برنامه ریزی، فرهنگ و شکل دهی یک رابطه سودمندتر، ارزش شناخته نشده "فرهنگ" می تواند به تغییر ساختار برنامه ریزی کمک کند. برای رسیدن به این منظور، یک الگوی برنامه ریزی مبتنی بر فرهنگ و "سیستم برنامه ریزی فرهنگی شده" (یونگ، ۲۰۰۸) بررسی و تحلیل شده است. از نظریات، اصول، شناخت ها و مثال های برنامه ریزی بسیاری در روند طرح سیستم فرهنگی شده، استفاده شده است که منابع زیر را در بر می گیرند:

- نظریه فرهنگی؛
- نظریه برنامه ریزی؛ ((ساندرکوک، (طرح پست مدرن)؛ هیلی (استفاده از مواد زیباشناختی)؛ هایدن (ارزش حافظه عمومی و چشم انداز)؛ لاندردی (جعبه ابزار و خلاقیت)؛ هاکز (ستون چهارم پایداری)؛
- دیدگاه متون مربوط به اصلاح برنامه ریزی، شهری سازی و ایجاد خلاقیت؛ (یونگ، ۲۰۰۸).
- شیوه های کنترل و نظارت بین المللی، سیاست گذاری توسعه و برنامه ریزی جهانی؛
- رویکردهای کنونی برنامه ریزی راهبردی و
- رویکرد آینده پژوهی.

منابع گسترده و متنوع در نظام برنامه ریزی فرهنگی شده، در جدول ۱ نشان داده شده اند. این منابع در برگیرنده موارد طرح شده در بالا می باشند.

جدول ۱: نهاد های پشتیبان نظام برنامه ریزی فرهنگی شده

سطح تحلیل	سیاست نظارتی	شیوه های جهانی
بین المللی	بانک جهانی - یونسکو Wcc	برنامه ریزی راهبردی
منطقه ای	دستورکار ۲۱	توسعه پایدار
ملی	منشورهای بین المللی دولت	نظام ملی نوآوری فرهنگی مدیریت محل دو- فرهنگی رصد فرهنگی
شهر	سازمان های تجاری و مردم نهاد دولت محلی	بازاریابی مکان مدل نقشه فرهنگی راهبرد گردشگری فرهنگی

▪ پیوست فرهنگی

پیوست فرهنگی، در اجرای سیاست‌های توسعه‌ای در کشورهای مختلف به ویژه کشورهای در حال توسعه انجام می‌پذیرد و باعث شده است که فرهنگ بومی و ارزش‌های دینی و فرهنگی مناطق مختلف کشورها مورد تهدید و دگرگونی قرار بگیرد. براساس این عملکردها در کشورهای مختلف، ضرورت تهیه پیوست فرهنگی در زمینه‌ی پروژه‌های عمرانی و سیاست‌های توسعه‌ای مطرح شده است که با تهیه پیوست فرهنگی و اجرای آن، میزان تخریب و زیان‌های ناشی از طرح‌های عمرانی را در منطقه کاهش دهد. پیوست فرهنگی عبارت است از؛ فرآیند تعیین، پیش بینی، ارزیابی و آگاه سازی درخصوص تأثیرات اجتماعی فعالیت یا سیاست جاری یا پیشنهاد شده بر زندگی، نهادها و منابع فرهنگی (بورما: ۲۰۰۴). مهمترین هدف پیوست فرهنگی، ایجاد شرایط و بستر مناسب می‌باشد که در آن ضمن اینکه پروژه‌های توسعه‌ای و اقتصادی به نحو مطلوبی انجام می‌شود و کمترین آسیب و زیان به فرهنگ و ارزش‌های بومی و دینی مناطق مختلف می‌رسد.

۲- سطح تحلیل ملی و منطقه ای

▪ رصد فرهنگی

رصد فرهنگی، مطالعه مسائل و پدیده‌های فرهنگی از دید تغییر فرهنگ می‌باشد. رصد فرهنگی، یافتن مسائل فرهنگی، مطالعه ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای موجود در حال ظهور یا رو به رشد و در حال زوال و تغییر می‌باشد. در ادامه فهرست رصد خانه‌های فرهنگی ذکر شده است:

- رصد خانه فرهنگی آسیا - اقیانوس آرام (ACP)

- رصدخانه فرهنگی جنوب شرق انگلیس

- رصدخانه فرهنگی شمال غرب انگلیس

- رصدخانه فرهنگی کانادا

- رصدخانه منطقه آسیا اقیانوسیه (PAO)

- رصدخانه صنایع خلاق

- رصدخانه جهش صنایع فرهنگی

- رصدخانه سیاست گذاری فرهنگی در آفریقا (OCPA)

- پروژه راه اندازی رصد خانه فرهنگی آفریقا

- رصدخانه منطقه آسیا اقیانوسیه (PAO)

هدف رصد فرهنگی، آینده‌نگری فرهنگی و شناسایی به موقع جریان‌ها و مسائل فرهنگی جامعه و ارائه راهبردهای مواجهه صحیح و هدفمند با آنها می‌باشد.

▪ چشم‌انداز ملی فرهنگی شده

چشم‌انداز فرهنگی، آرمان فرهنگی قابل دستیابی در افق زمانی معین است که در تراز با سند چشم‌انداز ملی تدوین و تبیین می‌شود، رویکرد چشم‌انداز فرهنگی شده، بر مبنای اهمیت مؤلفه فرهنگ و عصر فرهنگی، به‌دنبال سیستم (نظام) فرآیندی است که در فرآیند تدوین، سند چشم‌انداز دارای هویت و ماهیت فرهنگی گردد.

▪ برنامه‌ریزی فرهنگی در حوزه دیپلماسی فرهنگی

در سطح تحلیل ملی، یکی از عوامل مؤثر بر نظام برنامه‌ریزی فرهنگی شده، دیپلماسی فرهنگی است. در تعریف دیپلماسی فرهنگی، به‌عنوان حوزه‌ای از دیپلماسی که به برقراری توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق، فرهنگ، هنر و آموزش مرتبط می‌باشد. خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملت‌ها، در سطوح چند جانبه ترویج می‌یابند (صالحی امید و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). دیپلماسی فرهنگی، در واقع تأمین منابع ملی، با استفاده از ابزارهای فرهنگی است (حسن خانی، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

۳- سطح تحلیل بین‌المللی

▪ اخلاق جهانی

جهانی شدن نیازمند توجه به موضوع فرهنگ از قبیل، مشترکات فرهنگی و تکثر فرهنگی می‌باشد و موضوع فرهنگ بر مبنای اخلاق جهانی می‌تواند منجر به توسعه پایدار در جوامع گردد. تلاش‌های کونگ و سایر دانشمندان منجر به تأسیس "بنیاد اخلاق جهانی" در سال ۲۰۰۲ در بیرمنگام شد. با وجود تأسیس بنیاد مزبور و تشکیل کنفرانس‌های بین‌المللی بزرگی در آلمان و شیکاگو، هنوز دستیابی به اخلاق جهانی سازگار با تمام فرهنگ‌ها در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. برخی تصریح کرده‌اند که بین همه جوامع این توافق نسبتاً عمومی وجود دارد که تمام فرهنگ‌های قدیمی بر پایه‌های دینی بنا شده‌اند. در دل تمام ادیان جهان در یک سطح بسیار عمومی یک اصل همگانی و جهان شمول وجود دارد که به قانون طلایی (Golden law) معروف است و از این قرار است: "آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسند". قانون طلایی بریک منطق بنیادین انسانی تکیه دارد که این منطق یا حس اخلاقی، پیش فرض تمام نظریه‌های اخلاقی به‌شمار می‌آید و همین اصل مشترک احتمالاً می‌تواند مبنای تشکیل اخلاقی جهانی باشد، عوامل دیگر عبارتند از:

▪ جهانی شدن شهر

▪ شهروند جهانی

نتایج و یافته‌های پیمایش

از نظر تحصیلات، ۲۹ نفر (۹۰/۶٪) دکتری، از نظر سن، ۱۹ نفر (۵۹/۴٪) بین ۴۰ تا ۵۰ سال و از نظر سابقه فعالیت ۱۶ نفر (۵۰/۰٪) بین ۱۰ تا ۲۰ سال بودند. ۳ مولفه اصلی در وضع

موجود و مطلوب نرمال بودند. با توجه به جدول ۲ و آزمون‌های تی تک نمونه‌ای وضعیت متغیرهای مولفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)، مولفه‌ی زمان و مولفه‌ی نظام برنامه ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) در وضع مطلوب با اهمیت ($P < 0.05$) بود.

جدول ۲: بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق در وضعیت مطلوب

وضعیت	سطح معناداری	متغیرهای تحقیق
با اهمیت	۰/۰۰۰	مولفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)
با اهمیت	۰/۰۰۰	مولفه‌ی زمان
با اهمیت	۰/۰۰۰	مولفه‌ی نظام برنامه ریزی (نظریه برنامه‌ریزی)

با توجه به جدول ۳ و آزمون‌های تی تک نمونه‌ای وضعیت متغیرهای مولفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی) و مولفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) در وضع موجود نامناسب ($P < 0.05$) و تنها وضعیت متغیر مولفه‌ی زمان در وضع موجود تقریباً مناسب ($P > 0.05$) بود.

جدول ۳: بررسی وضعیت متغیرهای تحقیق در وضعیت موجود

وضعیت	سطح معناداری	متغیرهای تحقیق
نامناسب	۰/۰۰۹	مولفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)
تقریباً مناسب	۰/۳۳۸	مولفه‌ی زمان
نامناسب	۰/۰۰۰	مولفه‌ی نظام برنامه ریزی (نظریه برنامه‌ریزی)

با توجه به جدول ۴ آزمون‌های تی زوجی شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوب در تمامی متغیرهای تحقیق را معنی‌دار ($P < 0.05$) نشان دادند.

جدول ۴: مقایسه شکاف میان وضع موجود و وضع مطلوب متغیرهای تحقیق

سطح معنی‌داری	آماره آزمون	متغیرهای تحقیق
۰/۰۰۰	۹/۸۶۲	مولفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)
۰/۰۰۰	۶/۳۹۲	مولفه‌ی زمان
۰/۰۰۰	۱۲/۹۶۰	مولفه‌ی نظام برنامه ریزی (نظریه برنامه‌ریزی)

بر اساس جدول ۵ و نتایج آزمون فریدمن میانگین متغیرهای مدل در هر دو وضعیت دارای تفاوت معنی داری با یکدیگر هستند. همچنین در وضع مطلوب متغیر مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) دارای بیشترین اهمیت و مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی) دارای کمترین اهمیت است. در وضع موجود نیز متغیر مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی) دارای بهترین وضعیت و متغیر مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) دارای بدترین وضعیت می‌باشد.

جدول ۵: آزمون فریدمن و میانگین رتبه متغیرهای تحقیق وضع مطلوب و موجود

وضع موجود	وضع مطلوب	متغیرهای تحقیق
۲/۲۸	۱/۷۸	مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)
۲/۰۸	۱/۸۴	مؤلفه‌ی زمان
۱/۶۴	۲/۳۸	مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی)
۰/۰۳۰	۰/۰۳۱	سطح معنی داری آزمون

با توجه به جدول ۶ همبستگی بین مؤلفه‌های مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)، مؤلفه‌ی زمان و مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) و برنامه‌ریزی فرهنگی در وضع مطلوب مثبت و معنی دار می‌باشد.

جدول ۶: میزان همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های تحقیق و برنامه‌ریزی فرهنگی (وضع مطلوب)

سطح معنی داری	برنامه‌ریزی فرهنگی	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰	۰/۶۶۴	مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)
۰/۰۰۱	۰/۵۵۱	مؤلفه‌ی زمان
۰/۰۰۰	۰/۷۵۸	مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی)

با توجه به جدول ۷ همبستگی بین مؤلفه‌ها، مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)، مؤلفه‌ی زمان و مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی) و برنامه‌ریزی فرهنگی در وضع موجود مثبت و معنی دار می‌باشد.

جدول ۷: میزان همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های تحقیق و برنامه‌ریزی فرهنگی (وضع موجود)

سطح معنی داری	برنامه‌ریزی فرهنگی	مؤلفه‌ها
۰/۰۰۰	۰/۷۵۸	مؤلفه‌ی موضوعی (نظریه فرهنگی)
۰/۰۰۰	۰/۶۱۷	مؤلفه‌ی زمان
۰/۰۴۴	۰/۳۵۹	مؤلفه‌ی نظام برنامه‌ریزی (نظریه برنامه‌ریزی)

بر مبنای تحلیل‌های آماری میان وضع "موجود و مطلوب" شکاف معنادار وجود دارد، مؤلفه "نظام برنامه‌ریزی" در وضع مطلوب بیشترین اهمیت را دارا می‌باشد و مؤلفه "موضوعی" در وضع موجود از مناسب‌ترین شرایط برخوردار است. که اولویت‌بندی مؤلفه‌ها، نیز این مطلب را تأیید می‌نماید. رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده به دنبال استفاده از مزیت و قوت‌های فرهنگ در حوزه برنامه‌ریزی می‌باشد و به‌عنوان یک راه حل عملی در این عرصه قابل طرح است.

۱- جمع بندی عوامل و روندهای موثر بر برنامه ریزی فرهنگی شده

فرهنگ واژه‌ای است که نیازمند ساده سازی و شفاف سازی است، این ساده سازی در این تحقیق بر اساس تعریف فرهنگ، تبیین کارکردها و شیوه عمل در قلمرو مکانی و زمانی صورت پذیرفته است. فرهنگ واژه‌ای است که بر مبنای پیچیدگی بالای آن از بعد موضوعی، به صورت لایه به لایه تعریف شده است. از بعد "زمان" گذشته، حال و آینده را در بطن خود دارد. لایه اعتقادات و باورها ریشه در گذشته، لایه رفتارها بر مبنای کارکردهای فرهنگ، ریشه در زمان حال و لایه ارزشها، مطلوبیت فردی و اجتماعی ریشه در زمان آینده دارد.

جدول ۸: نگاهی جامع به فرهنگ با رویکرد آینده پژوهی

مولفه	ابعاد ماهیت و لایه‌ها	عوامل و روندهای موثر بر برنامه‌ریزی فرهنگی شده در نظام توسعه شهری آینده ایران
موضوعی (نظریه فرهنگی)	پیچیده و لایه به لایه	جغرافیا(مکان - فضا)، میراث فرهنگی، جمعیت، بودجه فرهنگی، عملکرد دستگاه‌های فرهنگی - رسانه، رفاه طلبی و مصرف گرایی
		عوامل اقتصادی، اجتماعی
		اوقات فراغت، امنیت فرهنگی، سرمایه فرهنگی، قصدیت جمعی و رهبری خلاقانه، کارآفرینی فرهنگی، صنایع فرهنگی، فرهنگ و قومیت، فرهنگ و ملی گرایی
زمان	گذشته	عوامل ارزشی
	حال	اخلاق دینی، تفکر دینی، پیشینه تمدنی و فرهنگی
		عوامل بنیادی و فلسفی
		آرمان شهر، پیوند مکان-فرهنگ، تفاوت و تنوع فرهنگی
		توحید محوری
		رفتارها و کنش‌ها
		فرهنگ کار، مشارکت شهروندان، خلاقیت و نوآوری

	آینده	ارزش ها و مطلوبیت ها	اعتماد به نفس ملی، امید به آینده
نظام برنامه ریزی (نظریه برنامه ریزی)	شهر	نقشه فرهنگی، نظام برنامه ریزی فرهنگی شده، پیوست فرهنگی	
	منطقه ای و ملی	رصد فرهنگی، نقشه مهندسی فرهنگی، سیاستگذاری فرهنگی، چشم انداز ملی فرهنگی شده، دیپلماسی فرهنگی، آینده پژوهی فرهنگی، نظام ملی نوآوری فرهنگی	
	بین المللی	جهانی شدن شهر، اخلاق جهانی، شهروند جهانی	

در جمع بندی عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه ریزی فرهنگی شده، منطبق با جدول ۸، هدف از ارائه این طبقه بندی، ساده سازی و شفاف سازی رابطه فرهنگ و برنامه ریزی می باشد. کارکرد این رویکرد، شناسایی و طبقه بندی عوامل و روندهای تأثیرگذار می باشد.

۲- دسته بندی پیشران ها و کلان روندهای

براساس شناسایی عوامل و روندهای مؤثر بر برنامه ریزی فرهنگی شده با روش پیمایش کلان روندها و پیشران ها به شرح ذیل می باشند. این عوامل بر مبنای رویکرد پارادوکسیکال تدوین شده اند. پیشران ها، مجموعه یا خوشه ای از یک یا چند مولفه یا روند مرتبط هستند که با هم به آینده شکل می دهند. پیشران ها در حقیقت بیانگر عوامل ایجاد تغییر در یک موضوع هستند که گاهی اوقات نیز به عنوان کلان روند از آن ها نام برده می شود. "پیشران، مجموعه یا خوشه ای از یک یا چند مولفه یا روند مرتبط است که با هم به آینده شکل می دهند. به عبارت دیگر، مولفه ها یا عوامل اصلی متشکل از چند روند که باعث ایجاد تغییر در یک حوزه ی مورد مطالعه می گردند." (ولی، ۱۳۸۶).

جدول ۹: کلان روند ها و پیشران های

ردیف	روند ها و پیشران های (رویکرد پارادوکسیکال)
۱	تغییر در عقاید و ارزش های جوامع و افزایش انتظارات (تفکر ارزشی - تفکر مادی)
۲	افزایش همگرایی فناوری و فرهنگ (همگرایی - واگرایی)
۳	کالایی شدن فرهنگ (ارزشی - مادی)
۴	افزایش واگرایی ملی بر مبنای رابطه فرهنگ و قومیت (همگرایی - واگرایی)

شناسایی و تحلیل روندهای فرهنگی تأثیرگذار بر آینده جهان اسلام، یکی از فعالیت های ضروری برای ترسیم مسیر تحقق آینده ی مطلوب است. این روندهای فرهنگی شناسایی شده درکنار پدیده هایی مانند، ایجاد شکاف میان مسلمانان، افزایش نارضایتی در جوامع اسلامی، گسترش قوم گرایی ضرورت توجه به یک راه حل عملی را دو چندان می نماید. رویکرد برنامه ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده سازی در جوامع اسلامی می تواند به عنوان یک نقطه تحول عمل نماید. این فرصت بر مبنای تحولات تاریخی، پیشینه تمدنی و فرهنگی جوامع

اسلامی و بر مبنای آموزه‌های دین مبین اسلام قابل تصویر پردازی می‌باشد، چشم‌انداز اسلام، باید به‌عنوان آینده‌ی مطلوب انسانی جوامع در نظر گرفته شود.

بر این اساس نتایج در قالب طرح‌های اقدام و پیشنهادات به شرح ذیل می‌باشند:

- تبیین دیدگاه اسلام در خصوص برنامه‌ریزی فرهنگی شده

- فرهنگ سازی به منظور ترویج و گسترش آینده‌پژوهی در مدیریت و برنامه‌ریزی شهری

- پیاده سازی و استقرار فرآیند آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی فرهنگی شده در شهرهای جهان اسلام

- ایجاد نهادها و ساختارهای جدید بر اساس مبانی فرهنگی سازی برنامه‌ریزی و آینده‌پژوهی در شهرها

- تقویت و اصلاح ساختار نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری بر اساس مبانی معرفتی و روشی بومی جوامع اسلامی

۳- راهبردهای تحقق برنامه‌ریزی فرهنگی شده در جوامع اسلامی

پس از شناسایی عوامل و روندهای مؤثر، راهبردهای تحقق این امر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. این راهبردها که بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران تدوین شده‌اند، مسیری را برای تحقق رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده ترسیم می‌کند. این راهبردها مقدماتی و کلان هستند و نیازمند بررسی بیشتر و ارائه راهبردهای جزئی‌تر و برنامه‌های عملیاتی می‌باشند، راهبردها عبارتند از:

۳-۱- رصد فرهنگی در سطوح ملی و منطقه‌ای

رصد فرهنگی، در عصر فرهنگی به‌عنوان پیش‌نیاز توسعه همکاری‌های فرهنگی در جوامع اسلامی می‌باشد و به‌عنوان پیونددهنده مبانی ارزشی و اقتصادی جوامع اسلامی می‌تواند عمل نماید. بسیاری از همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در سایه توسعه فرهنگی قابل تحقق می‌باشند. جهت شناخت ضرورت این راهبرد نیازمند مطالعه تطبیقی رصدخانه‌های فرهنگی در جهان می‌باشیم. بررسی این مراکز نشان می‌دهد که رصدخانه‌های فرهنگی - اجتماعی بر مبنای ماهیت و وظایف، هر یک اهداف خاصی را دنبال می‌نمایند و رشد و توسعه این مراکز نشان از اهمیت این امر می‌باشد. در رویکردی که موسسات و سازمان‌های بین‌المللی اقدام به راه‌اندازی این رصدخانه‌ها (به‌طور مثال در آفریقا) می‌نمایند، در راستای تامین اهداف اقتصادی می‌باشند. یکی دیگر از اهداف، در راستای توسعه همکاری‌های بین‌المللی بر مبنای مولفه فرهنگی و دیپلماسی فرهنگی در میان شهرها و کشورها می‌باشد.

۲-۳- همگرایی جوامع اسلامی بر پایه فرهنگی سازی برنامه ریزی

گذر از عصر اطلاعات و ورود به عصر فرهنگی بر پایه تحولات اجتماعی، یکی از کلان روندهای جوامع می‌باشد. فرصت شکل‌گرفته در جوامع اسلامی مبتنی بر تمسک و تقویت رویکردهای فرهنگی می‌تواند منجر به همگرایی جوامع اسلامی در راستای توسعه روابط اقتصادی - سیاسی گردد.

۳-۳- فرهنگ سازی به منظور گسترش مشترکات فرهنگی در سطح جوامع اسلامی

برنامه‌ریزی فرهنگی شده در جوامع اسلامی زمانی محقق می‌شود که نظام نگرش فرهنگی ایجاد شده باشد. دین اسلام، آموزه‌های ویژه‌ای در مورد توجه به مقام انسان، جوامع انسانی و فرهنگ جوامع دارد. لذا ما در عصر فرهنگی نیازمند به کارگیری این مبانی در حوزه عمل اجتماعی و برنامه‌ریزی می‌باشیم. اقدامات ذیل می‌تواند به تسهیل این امر کمک نماید:

- طراحی و تولید برنامه‌های رسانه‌ای

- تمرکز بر مشترکات دینی و اسلامی و ترویج آن در جوامع اسلامی

نتیجه گیری

روندهای حاکم بر فرهنگ متأثر از مباحث بین‌المللی و تغییرات در اقتصاد جوامع، موجب تشدید چالش‌های فرهنگی - اجتماعی در جوامع اسلامی خواهد شد، این امر فرصت‌ها و تهدیدها را افزایش خواهد داد. راهکار اثر بخش و کارآمد، تقویت و ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی با تأکید بر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی می‌باشد. ضعف نظام برنامه‌ریزی یکی از مباحث چالش برانگیز در حوزه آینده جوامع اسلامی می‌باشد. از عوامل عمده ضعف در این عرصه، عدم وجود دو نگاه آینده‌پژوهانه و رویکرد فرهنگی در نظام برنامه‌ریزی بیان گردیده است. رویکرد برنامه‌ریزی فرهنگی شده، ایجاد ساختارهای جدید در نظام برنامه‌ریزی را تجویز می‌نماید، این ساختارها در سطح کلان، رصد فرهنگی بر مبنای مزیت‌های منطقه‌ای می‌باشند. مبانی برنامه‌ریزی فرهنگی شده با رویکرد آینده‌پژوهی به دنبال ایجاد توسعه پایدار در جوامع اسلامی است. ایجاد همگرایی براساس مشترکات فرهنگی و تمرکز بر بسترهای فرهنگی را نقطه آغاز توسعه همکاریهای اقتصادی و سیاسی پایدار در جهان اسلام می‌توان دانست.

کتابنامه

الف - فارسی

۱. اسمیت، فیلیپ (۱۳۸۴)، «درآمدی بر نظریه فرهنگی»، ترجمه: حسن پویان، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. پیران، پرویز (۱۳۸۰)، «فرهنگ شهری»، فصلنامه مدیریت شهری.
۳. جهان بین، فرزاد (۱۳۹۰)، «آینده انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه قدرت فرهنگی»، رساله‌ی دکتری، منتشر نشده، دانشگاه معارف اسلامی.
۴. حسن خانی، محمد (۱۳۸۶)، «نقش فرهنگ و ابزارهای فرهنگی در طراحی و پیشبرد دیپلماسی؛ با تأکید به سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست.
۵. حقیقی، رضا (۱۳۸۶)، «فرهنگ و دیپلماسی»، تهران: انتشارات المهدی.
۶. دواس، دی ای (۱۳۷۶)، «پیمایش در تحقیقات اجتماعی» ترجمه: هوشنگ ناییب، تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۹۹۵.
۷. روحانی، حسن (۱۳۸۸)، «درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی»، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳.
۸. صالحی امیدی، سیدرضا و محمدی، سعید (۱۳۸۹)، «دیپلماسی فرهنگی»، تهران: انتشارات ققنوس.
۹. عنایت‌ا...، سهیل (۱۳۸۸)، «تحلیل لایه‌لایه‌ای علت‌ها»، ترجمه: مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
۱۰. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۵)، «مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی»، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، «فرهنگ و شهر، چرخش فرهنگی در گفتمان‌های شهری با تکیه بر مطالعات شهرتهران»، تهران: انتشارات تپسا و اداره کل مطالعات فرهنگی و اجتماعی تهران.
۱۲. فردرو، محسن (۱۳۸۵)، «مجموعه مقالات بیرامون مدیریت فرهنگی» تهران: انتشارات مه آسا.
۱۳. محمد رحیم عیوضی و سید حسام‌الدین باب‌گوره (۱۳۹۱)، «تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی»، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۳، پاییز، صفحات ۲۲-۴۵.
۱۴. محمدرحیم عیوضی (۱۳۸۲)، «انقلاب اسلامی و مفهوم توسعه فرهنگی»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، بهار شماره ۵.

۱۵. ملکی فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵)، «الفبای آینده پژوهی»، مؤسسه فرهنگی انتشارات کرانه‌ی علم.
۱۶. موذن جامی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، «الگوی نقشه فرهنگی شهر تهران»، تهران: دانشگاه دفاع ملی، نشر شهر، چاپ اول.
۱۷. وحید، مجید (۱۳۸۶)، «سیاست های یونسکو در زمینه توسعه تنوع فرهنگی و خط مشی های بخش فرهنگ کشور در قبال آن»، مجموعه مقالات همایش ارتباطات بین فرهنگی و سیاست خارجی: رویکردهای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۱۸. ولی، احمد رضا (۱۳۸۶)، «مطالعات اولیه فرایند آینده‌نگاری و انتخاب روش‌های مورد نیاز»، مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری‌های دفاعی.

ب- انگلیسی

1. Abram, S. (2010), 'Culture and Planning. Aldershot, Ashgate.
2. Allmendinger. P. (2001), Planning in Postmodern Times (London: Routledge).
3. Bezold, C and etall, (2009). "using Vision in futures in the future Research Methodology "version 3, Edited by J.C. Glenand T.J.Gordon, The Millennium
4. Bourdieu, P. (1977). Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste, Cambridge: Harvard University Press.
5. Burma.k.Sagiha, (2004). Framework for Cultural Impactasses Ment., Dakar, Sengal.
6. Butler, Cornelia (2005). *Community Capitals*, North Central Regional Center for Rural Development, Iowa State University.
7. Castells, M. (1998), The Rise of the Network Society, The Information Age: Economy, Society and Culture, vol 1 (Oxford: Blackwell).
8. Castells, M. (2003), 'The New Historical Relationship Between Space and Society', in Cuthbert (ed.).
9. Gleeson, B. (2000), 'Reflexive Modernisation: The Re-enlightenment of Planning?', International Planning Studies 5: 1, 117-135.
10. Hax, A. and Majluf, N. (1999), The Strategy Concept and Process, A Pragmatic Approach (Upper Saddle River, NJ: Prentice Hall).
11. Hayden, D. (1995), The Power of Place – Urban Landscapes as Public History (Cambridge: MIT Press).
12. Healey, P. (1997), Collaborative Planning – Shaping Places in Fragmented Societies (Hampshire: Palgrave).
13. Jameson, F. (1984), 'Postmodernism, The Cultural Logic of Late Capitalism', New Left Review, vol. 146, 53-92.

14. Klein, N. (2001) *No Logo*, London: Flamingo.
15. Landry, C. (2000), *The Creative City: A Toolkit for Urban Innovators* (Stroud: Comedia/Earthscan).
16. Sandercock, L. (2000). 'When Strangers Become Neighbours: Managing Cities of Difference.' *Planning Theory & Practice* 1(1): 13—30.
17. Sandercock, L. (2006). 'Cosmopolitan Urbanism: A love song to our mongrel cities'. In J. Binnie, J. Holloway, S. Millington and C. Young *Cosmopolitan Urbanism*. London, Routledge: 37—52.
18. Smart, B. (1993), *Postmodernity* (London: Routledge).
19. Williams, R. (1966), *Culture and Society, 1780-1950* (England: Penguin).
20. Young, G. (2008). *Reshaping Planning with Culture*. Aldershot, Ashgate.